



Article Type: Research paper

The Narco-Terrorism of Daesh Khorasan and its Security Problems in Relation to the Establishment of the Taliban State

Gholam Reza Hamidi Kia¹, *MirEbrahim Seddigh², Fakhruddin Soltani³

1. Ph.D. Student of International Relations, Azad University, Karaj Branch, Karaj, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Political Science, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran.

3. Assistant Professor, Department of International Relations, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran.

Article Info.

Received: 16/05/2024

Accepted: 10/11/2024

Available Online: 11/9/2025

Keywords:

ISIS-Khorasan, Taliban state-building, narco-terrorism, security challenges, Afghanistan.

* Corresponding Author:

Dr. MirEbrahim Seddigh

Address: Department of Political Science, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran.

E-mail:

e.seddigh@kuat.ir

Abstract

With the Taliban gaining power in Afghanistan, the issue of ISIS-Khorasan and the conflict between these two groups and the expansion of its security threats against the state-building process of the Taliban movement in the region has become more important than before. After the re-establishment of the Taliban, which has been a few years, ISIS terrorists have carried out more than 300 attacks in different provinces of Afghanistan, and their attacks have expanded geographically, so that the scope of these conflicts has increased from six provinces in 2021 to 11 provinces by mid-2022. This research, using a descriptive-analytical method, aims to investigate the problems that the Narco-terrorism of ISI -Khorasan in Afghanistan has created in the path of the Taliban state-building. Therefore, the question is, what are the most important problems that ISIS Narco-terrorism Khorasan has created against the Taliban state-building process in Afghanistan? The hypothesis of the research, which was obtained with a definition of a terrorist as the theoretical framework of the research, is as follows: the security, economic, political and social problems that we will continue to analyze are the most important problems that ISIS-Khorasan has created in Afghanistan. This issue has faced significant problems in the process of government building of the Taliban.

How to Site:

Hamaidi Kia, G., Sedigh, M. and Soltani, F. (2025). The Narco-Terrorism of Daesh Khorasan and its Security Problems in Relation to the Establishment of the Taliban State. *The Fundamental and Applied Studies of the Islamic World*, 7(3), 168-200.



Authors retain the copyright and full publishing rights.

Published by Iranian Association of Geopolitics. This article is an open access article licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

نارکو تروریسم داعش خراسان و معضلات امنیتی آن در قبال دولت‌سازی طالبان

غلامرضا حمیدی کیا^۱، *میرابراهیم صدیق^۲، فخرالدین سلطانی^۳

۱. دانشجوی دکتری گروه روابط بین الملل، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.
۲. استادیار گروه روابط بین الملل، دانشکده فرهنگ و تمدن، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.
۳. استادیار گروه روابط بین الملل، دانشکده فرهنگ و تمدن، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۳
تاریخ پذیرش: ۲۰ آبان ۱۴۰۳
تاریخ انتشار: ۲۰ آذر ۱۴۰۴

چکیده

با قدرت‌گیری طالبان در افغانستان موضوع داعش خراسان، درگیری این دو گروه و گسترش دامنه تهدیدات امنیتی آن در تعارض روند دولت‌سازی جنبش طالبان در منطقه بیشتر از گذشته اهمیت یافته است. پس از حاکمیت دوباره طالبان که چند سال از آن می‌گذرد، تروریست‌های داعش بیش از ۳۰۰ مورد حمله را در ولایت‌های مختلف افغانستان انجام داده و حملات آنها از نظر جغرافیایی نیز گسترش یافته است، به طوری که گستره این درگیری‌ها از شش ولایت در سال ۲۰۲۱ به ۱۱ ولایت تا اواسط سال ۲۰۲۲ افزایش یافته است. از سویی دیگر به نظر می‌رسد داعش خراسان برای اجرای عملیات‌های ایذایی خود محدودیتی در شعاع جغرافیایی در داخل و خارج از مرزهای افغانستان ندارد. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی به بررسی معضلاتی خواهد پرداخت که نارکو تروریسم داعش خراسان در افغانستان و در مسیر دولت‌سازی طالبان ایجاد کرده است. بنابراین سوال اصلی پژوهش پیش‌رو این است که مهم‌ترین معضلاتی که نارکو تروریسم داعش خراسان علیه فرایند دولت‌سازی طالبان در افغانستان ایجاد نموده، چیست؟ فرضیه تحقیق با تعریفی که از تروریسم به عنوان چهارچوب نظری پژوهش به دست آمده، بدین‌گونه تبیین می‌شود. بنابراین معضلات امنیتی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی مهم‌ترین معضلاتی هستند که داعش خراسان در افغانستان ایجاد کرده است. این مسئله روند دولت‌سازی طالبان را با چالش‌های جدی مواجه کرده است.

کلیدواژه‌ها:

داعش خراسان، دولت‌سازی
طالبان، معضلات امنیتی،
افغانستان، نارکو تروریسم.

* نویسنده مسئول:

دکتر میرابراهیم صدیق
نشانی: استادیار گروه روابط
بین‌الملل، دانشکده فرهنگ و تمدن،
دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.
پست الکترونیک:
e.seddigh@kuat.ir

استناد به این مقاله:

حمیدی کیا، غلامرضا، صدیق، میرابراهیم و سلطانی، فخرالدین. (۱۴۰۴). نارکو تروریسم داعش خراسان و معضلات امنیتی آن در قبال دولت‌سازی طالبان. *مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام*. ۷(۳)، ۱۶۸-۲۰۰.

۱. مقدمه

اصطلاح «نارکوتروریسم»^۱ یا «تروریسم مواد مخدر» برای اولین بار در اواخر دهه ۱۹۸۰ مطرح شد. رئیس جمهور وقت پرو «بلونده ترری»^۲ اولین بار این مفهوم را در ۱۹۸۳ برای توصیف حملاتی که علیه پلیس و نهادهای انتظامی مبارزه با مواد مخدر این کشور صورت گرفته بود، به کار برد. امروزه مشکل تروریسم دیگر تنها در شکل سنتی و دولت پایه آن تعریف نمی شود، بلکه با تنوع و افزایش نوع کنشگران، تروریسم نیز جنبه غیردولتی و فراملی به خود گرفته است. بی ثباتی سیاسی، ضعف دولت مرکزی، خلاء قدرت، مناقشه و تنش، افزایش ارتباطات فناورانه، فساد دولتی و ضعف اقتصادی برخی از دلایلی هستند که موجب توسعه حوزه کنشگری تروریست های جدید و کاهش امنیت جهانی می شود. پیوند میان گروه های تروریستی و انواع فعالیت های مجرمانه، منجر به تغییر ماهیت سازمان های تروریستی و بروز و ظهور فرم جدیدی از تروریسم به نام نارکوتروریسم در نقاط مختلف به ویژه در افغانستان یا آسیای مرکزی شده است (Koiremba Singh & Nunes, 2013: 66-71).

پدیده نارکوتروریسم از دو عنصر مهم تروریسم و مواد مخدر تشکیل شده است. قاچاقچیان مواد مخدر یا نارکوتروریسم برای رسیدن به منافع ناشی از قاچاق و ترانزیت این کالای غیرقانونی در این منطقه، معضلات متعددی (نارکوتروریسم) برای مرکز حاکمیت ایجاد کرده اند، زیرا بیشتر نیروهای تروریستی در آسیای مرکزی و خاورمیانه از جمله داعش خراسان از طریق ایجاد شبکه ترانزیت مواد مخدر بنیان های مالی خود را تقویت و از این طریق نیروهای مورد نظر خود را جذب می کنند. این فعالیت ها در نهایت منجر به کسب منابع مالی و اطلاعاتی فراوان شده و مشکلاتی را در منطقه به همراه داشته است. مجموعه این عوامل معضلات متعددی در ابعاد گوناگون در مخالفت با فرایند دولت سازی در کابل ایجاد کرده است. به عبارت دیگر، اقدامات و فعالیت های ضد امنیتی گروه های تروریستی در افغانستان باعث تضعیف دولت سازی طالبان و در نتیجه افزایش مشکلات در آسیای مرکزی شده است. طی چند دهه گذشته، جنگ و تروریسم موجب افزایش قاچاق و ترانزیت مواد مخدر در منطقه توسط گروه های تکفیری داعش شده است. شاخه خراسان این گروه نیز در شمال افغانستان فعال بوده است. داعش خراسان تلاش دارد با جذب نیروهای جوان از اقوام

1. Norco-terrorism
2. blonde

مختلف، خود را به عنوان رقیب جدی طالبان در افغانستان معرفی کند. این گروه تشکیل دولت را مهم‌ترین ماموریت خود قلمداد می‌کند (Farooq SA, et al, 2017: 1-9).

این موضوع باعث شده شاخه خراسان داعش^۳ با استفاده از فرصت‌های مناسب اقتصادی که در اختیار آنان قرار دارد، به یک بازیگر غیردولتی در شمال افغانستان تبدیل شود. بی‌توجهی به فعالیت و تحرکات تروریستی این گروه، نه تنها افغانستان بلکه منطقه را با چالش جدی مواجه کرده است. حاکمیت مرکزی و فعلی در کابل (جنبش طالبان)، قبل از به قدرت رسیدن، قاچاق مواد مخدر و کشت آن در گستره جغرافیایی افغانستان را خلاف مبانی شرعی و قوانین اسلامی معرفی کرده بودند، امروزه افغانستان ۸۵ درصد سطح زیر کشت تریاک جهان را در اختیار دارد و دولت مرکزی را به بزرگ‌ترین کارتل مواد مخدر^۴ تبدیل کرده است. این گونه به نظر می‌رسد که مواد افیونی^۵ را تولید، کنترل و از عواید مالی آن مالیات کسب می‌کند، همچنین بر صادرات آن نظارت و از شبکه‌های بین‌المللی قاچاق برای حفظ قدرت سیاسی و نظامی خود محافظت می‌کند. این موضوع باعث شده روند تولید، قاچاق و ترانزیت مواد مخدر^۶ در افغانستان تسهیل و زمینه تقویت گروه‌های تروریستی و تکفیری در این کشور فراهم شود. شاخه داعش خراسان این فرصت را به طور جدی مورد توجه قرار داده و از این طریق بیشتر اهداف خود - یعنی ایجاد مشروعیت سیاسی و مذهبی در کابل برای رقابت جدی‌تر با طالبان - را به وسیله منابع مالی قوی ناشی از قاچاق و ترانزیت مواد مخدر دنبال می‌کند (Chellaney, 2021: 5).

۲. پیشینه تحقیق

مقاله ای با عنوان نارکو تروریسم و رویکرد پ.ک.ک در قبال قاچاق مواد مخدر ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۱ توسط میرابراهیم صدیق و همکاران (۱۴۰۳) انجام شده است. در این مقاله به نقش گروه تروریستی پ.ک.ک در ایجاد ناامنی‌های متعدد برای نهادهای انتظامی و امنیتی کشور ترکیه و همچنین به نحوه قاچاق و ترانزیت مواد مخدر توسط این گروه در منطقه به بازارهای هدف پرداخته است. نویسندگان این مقاله به مدل جذب و نحوه انجام تبلیغات گروه در عضوگیری نیز اشاره و به نقش گروه پ.ک.ک در ایجاد معضلات امنیتی در کشورهای عضو اتحادیه اروپا نیز اشاره داشته اند.

-
3. Khorasan branch of ISIS
 4. Drug cartels
 5. Production of opiates
 6. Drug transit

مقاله ای با عنوان نارکوטרوریسم و تاثیر آن بر چندجانبه گرایی کشورهای آسیای مرکزی توسط زهرا شریف زاده و همکاران (۱۳۹۹) انجام شده، در این مقاله نویسندگان در چارچوب مکتب کپنهاک «نظریه مجموعه امنیتی منطقه ای» به تهدیدات سندیکا‌های مواد مخدر و تروریست های افراطی در برخی از کشورهای منطقه آسیای مرکزی اشاره و دلایل اصلی فعالیت های ضد امنیتی در این مناطق را فقدان ثبات سیاسی، ضعف مدیریتی و کاهش اقتدار حکمرانی برخی از کشورها این منطقه دانسته که گروه های نارکوטרوریستی به واسطه درآمدهای ناشی از قاچاق و ترانزیت مواد مخدر منشاء تهدیدهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در این منطقه بوده‌اند.

پژوهش دیگری توسط مهدخت ذاکری (۱۳۹۸) موضوع نارکوטרوریسم را با تمرکز بر شناسایی این پدیده به عنوان یک تهدید امنیتی به ویژه در منطقه خاورمیانه و آمریکای لاتین مورد بررسی قرار داده است. این پژوهش، ضمن بررسی مفهوم و تاریخچه نارکوטרوریسم، به شناسایی مهمترین گروه های نارکوטרوریستی در دنیا از جمله طالبان، فارق و داعش پرداخته و اساسی ترین تهدیدهای این گروه ها را در مناطق مورد فعالیت، از منظر اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و امنیتی مورد بررسی قرار داده است. این پژوهش بیان می دارد، در اتخاذ یک سیاست مناسب جهت مبارزه با نارکوטרوریسم، ناگزیر شاخص هایی همچون مبارزه با فقر، فساد و رشد جمعیت و عوامل فرامنطقه ای همچون سیاست های مواد مخدوری کشورهای مختلف از جمله آمریکا در کشورهای منشأ نارکوטרوریسم باید مد نظر قرار گیرد و رهبران سیاسی کشورها می بایست به یک درک مشترک مبنی بر وجود یک تهدید مشترک و جهانی دست یابند.

۲. چهارچوب نظری

با توجه به پیچیدگی و ابهام پدیده تروریسم نمی توان علل مشخصی برای پیدایش آن عنوان کرد، زیرا هر یک از انواع مختلف تروریسم با انگیزه و هدف خاصی شکل گرفته و نمی توان علت و زمینه یک تروریسم را به انواع دیگر آن تعمیم داد، اما به طور کلی با توجه به مطالعات صورت گرفته، تحلیلگران و کارشناسان نظریاتی در زمینه شکل گیری این پدیده ارائه کرده‌اند که در ادامه هر یک از آنها توضیح داده می شود.

۲-۱. زمینه روان شناختی

مطالعاتی که در حوزه عوامل روان شناختی تروریست ها صورت گرفته به نشانه هایی از آسیب

و بیماری‌های روانی در برخی از این گروه‌ها دست یافته است. برای مثال در مطالعات انجام شده در خصوص گروه تروریستی «بدر ماینهف»^۷ نشان می‌دهد که کشف مشکل روانی در تروریست‌ها بر اساس مفروضی که اغلب بازیگران اصلی در سازمان تروریستی، مشکلات روانی و مزمن دارند. در مورد علل به وجود آمدن بیماری اسکیزوفرنی تحقیقات گسترده‌ای به عمل آمده است. فرضیه سوسیوژنیک (قتل افراد ناشی از شرایط اجتماعی) مهمترین فرضیه تا به حال در بیان علت این بیماری بوده است. بر اساس این فرضیه، علت این بیماری در افراد فرودست جامعه ناشی از تحقیقی است که نسبت به آنها اعمال می‌شود، دسترسی ناکافی به آموزش و پرورش مناسب، فقدان رفاه و پاداش‌های اجتماعی و فردی، زندگی در سطوح محروم اجتماعی و مواجهه با عوامل استرس‌زا و احساس حقارت. در چنین شرایطی، در تروریست‌ها میل به انتقام و پرخاشگری شکل می‌گیرد. در تحقیقاتی که از گروه‌های تروریستی به عمل آمده، مشاهده شده که گروه جدایی طلب باسک از این نوع احساس حقارت در رنج و عذاب بوده‌اند. در بیماری دیگری با عنوان پارانوئید، بیماران مربوطه بسیار خودمدار و خودشیفته هستند، خشم خود را انکار می‌کنند و برای تخلیه عواطف از مکانیسم برون‌فکنی استفاده می‌کنند. این اختلال به صورت جنون بزرگ منشا بروز می‌یابد. بدین صورت که فرد یک شخصیت ثانویه را برای خود متصور می‌شود. گاهی اوقات برخی از کنشگران تصور می‌کنند که رسالتی برای دگرگونی نظم جهانی دارند و عقده حقارت خود را بدین طریق جبران می‌کنند. همان‌طور که بن لادن معتقد است که برای مجازات «شیطان بزرگ» از خداوند دستور می‌گیرد (Esmaili: 1391, 169-174).

یکی از نظریه‌های خلق‌گرا، که مدت‌ها در توضیح منبع شکل‌گیری تروریسم رواج داشته است، نظریه ناامیدی- پرخاشگری است. نخستین بار فردی به نام جان دالرد و همکاران وی در کتاب خود با عنوان «ناکامی و پرخاشگری»، «خودشیفتگی - پرخاشگری» این نظریه را در اواخر دهه ۱۹۳۰ مطرح کردند.

این نظریه رویکردی ساده و روشن دارد و در آن استدلال می‌شود زمانی که فرد در رسیدن به اهداف خود ناکام می‌ماند، پرخاشگر می‌شود. علاوه بر این، دالرد استدلال می‌کند که ناکامی همواره سبب پرخاشگری می‌شود و پرخاشگری همیشه در نتیجه ناکامی به وجود می‌آید. در مورد تروریسم می‌توان گفت انجام عملیات تروریستی، نوعی «جابه‌جایی» به شمار

۷. «بدر ماینهف» این گروه سیاسی نیست و صرفاً اعضای آن آشوب‌طلبان هستند.

می‌آید. همچنین فرد خودشیفته از اهمیت و اعتبار خود در جهان کاملاً مطمئن است. دیگران انگاره چنین افرادی را درک نمی‌کنند. بر اساس این نظریه، این مسئله می‌تواند زمینه ایجاد خشم ناشی از خودشیفتگی و پرخاشگری را فراهم کند. بر مبنای این نظریه، اعضای گروه‌های تروریستی داعش، از جمله رهبران آن، تا پیش از جذب در گروه دچار نوعی توهم خود بزرگ‌بینی شده بودند؛ به این معنا که احساس می‌کردند شایستگی موقعیت و منزلت اجتماعی فراتر از آنچه اکنون هستند، را دارند. بر این اساس، در پی کسب منزلت واقعی خود برآمده و از طریق تشکیل یا پیوستن به گروه‌های افراطی با اعمال خشونت علیه کسانی، که به گمان خود باعث عقب‌ماندگی‌شان شده‌اند، سعی در تغییر شرایط به نفع خود می‌کنند. به عبارت دیگر، این افراد اعتقادات و جهان‌بینی خود در مورد جهان را عین حقیقت می‌دانند. بنابراین آنها به نوعی خودشیفتگی در تفسیر از جهان و انسان نیز مبتلا بوده که این موضوع منجر به اعمال خشونت آنان علیه دیگران می‌شود. موقعیت‌گرایان نیز چنین تحلیل می‌کنند که بسیاری از تروریست‌ها احساس می‌کنند چاره‌ای ندارند جز اینکه مرتکب اقدام تروریستی شوند. به عبارت دیگر، آنها احساس می‌کنند در دام موقعیتی که در آن هستند، گیر افتاده و برای رسیدن به هدف خود، ناچارند دست به اقدامات سیاسی خشونت‌بار بزنند (Eqbal, 1396: 39-40).

برخی از روان‌شناسان اجتماعی بر اساس نظریه پایه‌ای گوستاو لوبون این فرضیه را بررسی کرده‌اند که عضویت در گروه‌های بزرگ و گمنام سبب می‌شود، فرد در مقایسه با زمانی که تنهاست رفتارهای پرخاشگرانه و ضد اجتماعی بیشتری از خود نشان دهد. لوبون برای مشخص‌تر شدن این نظریه، نخست از خصوصیات روان‌شناختی گروه از جمله تحریک‌پذیری، هیجان‌زدگی، تلقین، زودباوری، فقدان تفکر منطقی، داشتن کمبود در قدرت قضاوت، روح انتقادگر و زیاده‌روی در احساسات ذکر می‌کند. به نظر وی، خصلت تحریک‌پذیری از این امر نشئت می‌گیرد که گروه با تلقین‌پذیر کردن افراد و سرایت دادن نظرات و خواسته‌های گروهی یکدست خود همه را در وضعیتی هیجان‌زده قرار می‌دهد و از این راه باعث ایجاد گرایش‌های افراطی و کورکورانه در آنها شده و افراد مد نظر را به هر کاری که بخواهد، از ارتکاب جنایت و ویرانگری گرفته تا مرگ‌پراکنی ترغیب می‌کند. نشانه‌های این مسئله را در تحمل‌ناپذیری، پرخاشجویی و گرایش به ارتکاب جنایت و ویرانگری می‌بینیم. یکی دیگر از خصوصیات گروه از نظر لوبون، زودباوری و نداشتن تفکر منطقی است. با این توضیح که تصویری که افراد گروه از یک رویداد احتمالی، پیشامد یا شخصیت خاص در ذهن و خیال خود دارند، دارای همان قدرت و جنب‌وجوش ویژه امور است. تحقیقات در مورد افرادی

که به گروه تروریستی داعش پیوسته‌اند، نشان می‌دهد که این افراد دیدگاه‌های افراطی یکدیگر را تقویت می‌کنند و روزبه‌روز به افراط و خشونت‌طلبی آنها افزوده می‌شود. عضویت در گروه‌های گمنام سبب می‌شود فرد در مقایسه با زمانی که تنهاست رفتارهای پرخاشگرانه و ضداجتماعی بیشتری از خود نشان دهد. فیلیپ جورج زیمباردو، روان‌شناس و استاد دانشگاه استنفورد، برای تبیین این فرضیه با طرح نظریه فردیت‌زدایی ثابت می‌کند، عضویت در یک گروه گمنام سبب می‌شود شخص هویت فردی و احساس مسئولیت خود را از دست داده و در انجام رفتارهای اجتماعی منفی، که معمولاً توسط معیارهای درونی محدود می‌شوند، با شدت عمل بیشتری اقدام کند (Agha, Mohammadi & Omidi:1397, 127-126).

۲-۲. زمینه اجتماعی

پیچیدگی‌های عرصه سیاست، عوامل پرشمار، عناصر تاثیرپذیر و تاثیرگذار بر تصمیم‌ها، اقدامات سیاسی و ژئوپلیتیک باعث شده برخی اندیشمندان مانند جیمز روزنا، عصر جدید را عصر آشوب در سیاست جهان بنامند. با توجه به نظریه آشوب، به دلیل خلأهای قدرت-ژئوپلیتیک پیش‌آمده در کشورهای مستعد و در مناطق مختلف جغرافیایی، آشوب و نوعی آشفتگی در سیاست‌های داخلی و خارجی برخی از کشورها بروز کرده و بستر شکل‌گیری گروه‌های بنیادگرا و افراطی را فراهم کرده است. بر اساس نظریه فراکتال، رقابت‌های ژئوپلیتیک، تعارضات و پیچیدگی‌های پرشمار در عرصه سیاست خارجی، شرایط خود همانندسازی و خودسامانی این گروه‌ها را فراهم می‌کند. همان‌طور که بی‌ثباتی افغانستان و ناتوانی دولت این کشور در ایجاد یک نظام سیاسی قوی و کارآمد در تحولات داخلی پاکستان تاثیر گذاشت و سرنوشت این دو کشور همسایه را در موضوع طالبان به شدت به هم گره زد، ساختار و بافت انسانی افغانستان نیز بستر مناسب تولید و رشد القاعده و طالبان را مهیا کرد. امروزه یمن نیز چنین وضعیتی در عرصه داخلی دارد. این کشور پیچیده مشکلات بسیاری دارد. بخشی از این مشکلات ناشی از ساختارهای قبیل‌ای، بخشی دیگر ناشی از دوگونه بودن شمال و جنوب آن و بخشی ناشی از عقب‌ماندگی اقتصادی و صنعتی است. بی‌ثباتی، جنگ داخلی و ناتوانی ارتش سوریه در کنترل کامل بحران، زمینه‌های گسترش فضایی کنش‌ها و پویای گروه‌های افراطی را فراهم کرده است (Alipour, Heydaei & Feli:1393, 199-204).

با توجه به اهمیت گروه تروریستی داعش در تحولات چند سال اخیر در دو کشور عراق و سوریه،

به طور اخص و کشورهای منطقه و اروپایی به طور اعم، مجموعه‌ای از بسترها و زمینه‌های مشوق گرایش افراد به این گروه از منابع اغلب غربی استخراج و در اختیار صاحب‌نظران این حوزه که اغلب از رشته‌های جامعه‌شناسی و علوم سیاسی بودند، قرار گرفت. نتایج نشان داد شکاف‌های طبقاتی، نابرابری اقتصادی-درآمدی، بیگانه‌سختی و اسلام‌هراسی در غرب، بحران هویت به عنوان ۵ زمینه مهم پیوستن افراد به گروه تروریستی داعش از منظر پاسخگویان بوده است. در تبیین این موضوع باید گفت در کشورهای خاورمیانه به علت انباشت ثروت نفتی در دست عده‌ای محدود و تشدید الگوی مصرف‌گرایی غربی با جمعیت نسبتاً گسترده‌ای از افراد بی‌سواد یا کم‌سواد و حاشیه‌نشین مواجه هستیم که بسیاری از حقوق خود محروم مانده و ساختارهای سیاسی در برخی از این کشورها به علت عقب‌ماندگی اجازه هیچ‌گونه انتقادی را نمی‌دهند. این موضوع سبب می‌شود نوعی حس محرومیت، سرخوردگی و ناامیدی از بهبود شرایط زندگی برای رسیدن به اهداف آینده نیز بروز کند یا حتی در برخی از کشورهای اروپایی مناطق حومه کلان‌شهرهایی نظیر پاریس و لندن مرکز مهاجران بیکار، طرد شده و فقیر بوده که علنا می‌توانند به واسطه حادثه‌ای بحران‌آفرین باشند. مطابق با تئوری کاستلز حاشیه‌نشینان آمادگی زیادی برای تشکیل جنبش‌های اجتماعی یا پیوستن به گروه‌های افراطی دارند (Moradi, Shaygan & Navid nia:1397, 15-16).

۲-۳. زمینه اقتصادی

تی سه (۲۰۱۶) در تحقیقی با عنوان «داعش و ثبت‌نام: چطور ویژگی‌های جمعیت‌شناسی در پیوستن به گروه داعش نقش بازی می‌کنند؟» نشان داد برخی از اعضای داعش ۳۰-۱۵ ساله بوده و از طریق شبکه‌های اجتماعی جذب این گروه شده‌اند. پیوستن برخی از اعضای داعش به عنوان یک جایگزین در زندگی آنها مطرح بوده است. برخی از اعضای داعش از مدارس انصراف داده و زمانی که احساس کردند گزینه‌های زندگی‌شان محدود است؛ با تبلیغات اغوا کننده داعش جذب این گروه شدند. (Moradi, Shaygan & Navid nia:1397-6).

تسلط بر سرزمینی پهناور به داعش کمک کرد تا بتواند یک الگوی مالی خود اتکا طراحی کند؛ چیزی که برای بسیاری از گروه‌های تروریستی غیر قابل تصور است. در ماه‌های اولیه سال ۲۰۱۲، این گروه به تدریج میدان‌های تولید نفت در شرق سوریه را در اختیار گرفت. داعش هم‌اکنون حدود ۶۰ درصد ظرفیت تولید نفت سوریه را در کنترل خود دارد. به طور کلی، بنابر گزارش‌های

متواتر، درآمد این گروه از محل فروش نفت، یک تا سه میلیون دلار در روز است. هر چند نفت تنها یکی از منابع مالی درآمد داعش است (Pourahmadi & Abbasi: 1394-99).

۲-۴. زمینه فرهنگی

انحراف از اعتقادات از مهم‌ترین عوامل ظهور تروریسم در طول تاریخ تلقی شده و انسان همواره خشونت‌های زیادی را از طرف مفسران مذهبی در ناحیه خاورمیانه شاهد بوده است. در منطقه خاورمیانه، ریشه‌های ترور دینی، یعنی جنگ‌های مقدس و جهاد، در فعالیت‌های فرقه اسماعیلیه در دوره سلجوقیان شکل گرفت و به گروه حسن صباح، معروف به حشاشین، رسید. در این دوره، حدود ۵۰ قتل مهم صورت گرفت. او به پیروان خود متذکر شده بود که برای دریافت پاداش از خداوند باید در راه جنگ با دشمنان خدا کشته شوند. برتری دینی می‌تواند از مرزهای یک کشور بگذرد و به دشمنی با دیگر مذاهب تبدیل شود. پیروان متعصب یا افراط‌گرایان ادیان مختلف با قرائت‌های ارتجاعی از دین باعث شکل‌گیری تروریسم می‌شوند. افراط‌گرایان زمانی که به نابرابری مذاهب و پیروان آنها معتقد شدند و مذهب خود را نسبت به دیگر مذاهب برتر دانستند، در صدد مردود شمردن دیگر مذاهب برمی‌آیند و کم‌کم حالت دشمنی و کینه‌توزی با طرفداران مذاهب دیگر را در درون خود ایجاد می‌کنند. برخی مواقع این تعصبات مذهبی آنها را متمایل به رعب و وحشت انداختن طرف مقابل می‌کند. گهگاه برخی از حکومت‌های مستبد از تعصبات دینی و مذهبی مردم خود علیه پیروان ادیان دیگر برای بقا یا اهداف سیاسی خود سوءاستفاده می‌کنند. حتی این عمل حکومت‌ها می‌تواند در بین یک امت، که به دین مشترک اعتقاد دارند، صورت گیرد (Sajdi, 1395: 148).

اقدامات تروریستی گسترده تنها زمانی رخ می‌دهد که کنشگران تنها راه رسیدن به اهداف خود را در بسیج گسترده گروه‌ها برای انجام راهبردهای خود در قالب این راهبرد بدانند. گروه‌های شکل‌گرفته با ایدئولوژی مذهبی در مقابل همه دشمنان به مبانی خود واکنش نشان داده و به دلیل آن‌که مخالفان را افرادی بی‌ایمان و کافر می‌دانند، عموماً این برخوردها شدیدتر رخ می‌دهد. برخی از متخصصانی که نقش ایدئولوژی در شکل‌گیری تروریسم را بررسی می‌کنند، معتقدند مذهب متغیری مستقل است که می‌تواند خشونت را تقویت کند. در واقع مذهب نقش تحریک‌کننده و شوق‌همراهی دارد. به همین دلیل است که رهبران این گروه‌ها از مذهب برای شکل‌دهی گروه‌های تروریستی استفاده کرده و آن را به‌عنوان ابزاری برای رسیدن به اهدافشان در چارچوب این راهبرد استفاده می‌کنند. (Eshaghi & Rasha: 1396-48).

در حال حاضر بسیاری از گروه‌های تروریستی سابق، که علایق جدایی‌خواهانه، نژادی یا

ایدئولوژیکی داشتند، به سازمان‌هایی پیوسته‌اند که انگیزه‌های ملی و ایدئولوژیکی آنها چندان قابل فهم نیست. این سازمان‌های تروریستی جدید اهداف مذهبی و هزاره‌گرا داشته و خشونت بیش از حد را ترویج می‌کنند. در واقع انگیزه‌های غیرمتعارف مذهبی باعث شده تروریست‌ها خشونت را وظیفه‌ای الهی بدانند، در نتیجه برای اعمال افکار خود مشروعیت مذهبی ارائه کنند. در بسیاری از موارد، گروه‌های تروریستی دارای علایق مذهبی از دیدگاه ایدئولوژی کلی‌گرایانه برخوردارند؛ بدین معنا که دنیا را نبرد میان خیر و شر می‌دانند. در همین راستا نیز واژگانی کیهانی و دیالکتیکی از قبیل مومنان در مقابل کافران، نظم در مقابل هرج و مرج و عدالت علیه بی‌عدالتی استفاده می‌کنند، در نتیجه اکثر این گروه‌ها از سمبل‌های مذهبی برای تجمیع مردم در اطراف خود استفاده می‌کنند. در واقع، انگیزه‌های غیر متعارف مذهبی به عنوان اصلی‌ترین ویژگی تروریسم شناخته می‌شود که سیستم ارزشی، مکانیسم مشروعیت‌بخشی و جهان‌بینی جدیدی را به وجود می‌آورد (Bahari & Bakhshi Sheikh Ahmad:1388-9).

بروس هافمن معتقد است که انگیزه تروریسم مذهبی از انجام خشونت به عنوان یک وظیفه الهی و مذهبی در نظر گرفته می‌شود. این موضوع توجیهی برای مشروعیت‌بخشی اقدامات آنهاست. تروریسم مذهبی می‌کوشد با به‌کارگیری خشونت به اهداف مقدس، متعالی و مذهبی خود، که از سوی خداوند یا مذهب تعیین شده است، دست یابد. این نوع تروریسم گسترده وسیعی از انواع دشمنان را برای محو همه پلیدی‌ها معرفی می‌کند. تروریسم مذهبی از ایمان، عهد و مذهب غیر متعارف سرچشمه می‌گیرد. موجی از خشونت، که تروریسم مذهبی به راه انداخته است، نه تنها از طریق دامنه و اهدافش، بلکه به خاطر ویژگی‌های متمایز و مرگ‌آورش، بی‌سابقه است. همه کسانی که دست به تروریسم مذهبی می‌زنند، معتقدند که اعمال آنها از طرف خداوند مقدس شمرده می‌شود. بر اساس آمار، نزدیک به نیمی از تروریست‌های فعال بین‌المللی، که در سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۳ میلادی شناسایی شدند، دارای گرایش مذهبی بودند. تروریست‌های مذهبی به هیچ وجه نگران بعد اخلاقی یا ضد اخلاقی بودن عمل خود نیستند، زیرا معتقدند هر عمل شرعی، فی‌الذاته اخلاقی است، حتی اگر همه دنیا آنها را محکوم کنند. این محکومیت برای آنها دارای اجر الهی است. فلسفه تروریسم مذهبی مبارزه بی‌امان بین کفر و ایمان است؛ مبارزه‌ای که در پایان به شکست کفر و پیروزی مومنان ختم می‌شود (Matlabi, Arayshi & Rahimi EBAD:1395, 124-123).

شائول شای و یورام شوارتز، دو نظریه‌پرداز معروف جهانی این حوزه، تلاش دارند نشان

دهند سطح تنش تروریسم القاعده و نماد آن بن لادن، تنشی در سطح حوزه فرهنگی بین غرب و اسلام است. آنها به چند سطح تنش در این حوزه اشاره کرده‌اند: درون‌ملتی، دولت محور و جهانی. نظریه‌پردازان مذکور، حوزه تنش فرهنگی میان غرب، اسلام و مقاومت هویت اسلامی را در این سطوح قابل بررسی می‌دانند. شائول شای و یورام شوارتز تاکید دارند که این مقاومت فرهنگی از درون ملت‌های اسلامی شروع می‌شود سپس به یک آرمان جهانی برای رویارویی با فرهنگ غرب تبدیل می‌شود. این دو نظریه‌پرداز همانند ساموئل هانتینگتون تلاش دارند تا نشان دهند که مقاومت در عرصه هویتی و تمدنی در مقابل غرب‌گرایی باعث ایجاد رفتارهای خشونت‌آمیز اسلام‌گرایان شده است. به نظر می‌رسد شیوه نقادی یورام شوارتز و شائول شای همانند ساموئل هانتینگتون بر تقابل فرهنگ غرب و اسلام تاکید دارد؛ اینکه پدیده مدرنیزاسیون به مقاومت‌های فرهنگی در سطوح ملی و جهانی می‌انجامد، نتیجه آن تروریسم بین‌المللی است. همچنین نظریه‌پردازان ایرانی، از جمله مهدی بخشی در مقاله‌ای با عنوان «القاعده و تروریسم مذهبی»، بر این نظر اصرار دارند که رفتار خشونت‌آمیز القاعده ناشی از الگوهای مذهبی سازمانی است. ایشان بر نقش سازمان‌دهی تروریسم توسط مذهب تاکید داشته یا به زبان دیگر بنیادهای تروریسم بر فهم متفاوت از مذهب و سپس شکل‌گیری آن در اشکال سازمانی استوار است. همچنین متفکرانی همچون مهدی عباس‌زاده فتح‌آبادی در مقاله‌ای تلاش می‌کند نشان دهد بروز گروه‌های تروریستی با پسوندهای اسلامی تحت تاثیر فرایند جهانی شدن و هژمونی فرهنگی آمریکایی است که به سلطه و مقاومت فرهنگی در جهان اسلام می‌انجامد.

(Simbar, Rahmdei & Falah:1393,182-183)

به نظر می‌رسد داعش، القاعده و سایر گروه‌های تروریستی در خاورمیانه در زمره گروه‌های افراطی و بنیادگرای سنی به شمار می‌روند که عقاید متصلب و انعطاف‌پذیری را دنبال می‌کنند. این گروه‌ها به شدت به مبانی و مولفه‌های مدرنیسم غربی و پدیده جهانی شدن واکنش نشان می‌دهند. بنیادگرایان در کشورهای اسلامی با همه ستیز می‌کنند. آنها هم دولت‌های سکولار و غیردینی در سرزمین‌های اسلامی را عامل بدبختی مسلمانان تلقی می‌کنند و هم غرب و عناصر دست‌نشانده آنان در منطقه را عامل مهم بدبختی مسلمانان و انحطاط تلقی می‌کنند. بنابراین راه سعادت مبارزه با همه قدرت‌های داخلی و خارجی برای رسیدن به بنیاد و اساس اسلام یعنی همان حکومت رسول‌الله است. در باور بنیادگرایان، این فرهنگ جهانی (غربی) کفرآمیز نه تنها سرزمین‌های غیر اسلامی، بلکه دنیای اسلام را هم

آلوده کرده است. تهاجم فرهنگی همراه با بی‌تدبیری و خودباختگی‌های برخی از حاکمان جوامع اسلامی، نفاق و تفرقه‌فراينده میان مسلمانان و گرایش و شیفتگی اقشار و گروه‌های مختلف به فرهنگ و تمدن بیگانه، جهان اسلام را چنان تحت تاثیر قرار داده که به جامعه جهانی پیش از اسلام شباهت داشته و متمایز کردن مسلمان و غیرمسلمان دشوار است. پس در واقع، نه تنها غیر مسلمانان با مسلمانان، بلکه کل بشریت در گمراهی و جهل قرار دارند. به همین دلیل گروه‌های تروریستی نظیر داعش، علاوه بر تلاش برای تشکیل دولت اسلامی در صدد بوده تا نظم ساخته شده توسط غرب را نیز به چالش بکشند، بنابراین، به مبارزه آشکار و خشونت‌طلبانه با آن روی می‌آورند. (Zarei, Mousavi & Gholampour: 1397-188).

چنانچه بخواهیم ریشه این رفتارهای خشونت‌آمیز را در فرهنگ جست‌وجو کنیم، باید اشاره کرد که هر فرهنگی دارای رشته‌ای از مفاهیم ذهنی و نمادین مخصوص خود است و بر اساس این نظام رفتاری، اوضاع حیات فردی، اجتماعی و معروف مردمش را ترسیم می‌کند، این‌گونه مفاهیم «جهان‌بینی» را در ذهن متبادر می‌سازد، زیرا درباره موضوعاتی مثل اعتقادات مذهبی، باورهای سیاسی- اجتماعی و... بحث می‌کند. در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، تحول در نظام‌های سیاسی با گسترش فعالیت‌های تروریستی همراه شده که تضاد سیاسی- فرهنگی بین جوامع را تشدید کرده و روابط بین ملت‌ها را تحت تاثیر قرار داده است. این تضاد بیش از هر چیز میان جوامع غربی و اسلامی در حال افزایش است. این امر در درون جوامع غربی با پدیده تروریسم خانگی ارتباط می‌یابد. در جوامع اسلامی منطقه خاورمیانه نیز فعالیت‌های تروریستی زمینه مناسبی برای تشدید تضادهای قومی- نژادی و مذهبی می‌یابند. هدایت فعالیت‌های تروریستی القاعده در عراق و علیه شیعیان این کشور موج جدیدی از تفرقه‌گرایی مذهبی (میان شیعه و سنی) نه تنها در درون جامعه عراق بلکه در سطح منطقه به وجود آورده است. سر برآوردن داعش حاصل این موج تفرقه‌قومی- مذهبی است که ریشه آن در تفکرات بنیادگرایی است. (Heydari: 1393-54).

۲-۵. زمینه سیاسی

یکی از دلایل اصلی ظهور داعش در خاورمیانه، عدم تشکیل فرایند دولت- ملت مدرن است. هم‌اکنون خاورمیانه در زمره مناطقی است که در آن «دولت‌های ورشکسته» و «دولت‌های ضعیف» وجود دارد. مهم‌ترین ویژگی این وضعیت آن است که در برابر ساختار دولت مرکزی،

مقاومت وجود دارد و حاکمیت دولت مرکزی به رسمیت شناخته نمی‌شود. البته پیش از این نیز در دولت‌ها یک ساختار «سلسله مراتبی» به یک ساختار دگرگون‌کننده و دگرگون‌شونده تبدیل می‌شود که در آن، قدرت و دولت مرکزی، دیگر کارکرد چندانی ندارد. در عراق و لیبی با پدیده‌ای به نام دولت‌های شکست‌خورده روبه‌رو هستیم. نیروهای داعش در ابتدای تهاجم به موصل، حدود ۷۰۰ تا دو هزار نفر بوده‌اند، اما این گروه بر شهر دو میلیون نفری موصل حاکم شد، زیرا تفکر سلفی گروه‌های تکفیری با ساختار قومی و قبیله‌ای عراق گره خورده است. دقیقا از همان جا نیرو و انگیزه می‌گیرد. در عراق در طول یک دهه گذشته، دولتی مبتنی بر وحدت ملی شکل نگرفته است. به نظر می‌رسد که یکی از دلایل مهم ظهور داعش، ضعف نوری مالکی در ایجاد اتحاد بین محورهای مختلف دارای قدرت در میان شیعیان و نیز اهل تسنن بوده است، به نحوی که خود را در قدرت سهیم بدانند. مالکی در راس یک ائتلاف متشکل از گروه‌های شیعی از سال ۲۰۰۶ تا ژوئیه ۲۰۱۳ نخست‌وزیر عراق بوده است. از دید منتقدان، سیاست‌های «فرقه‌گرایانه» و «استبدادی» وی سبب شده است که داعش در عراق ظهور کند و این کشور از نظر سیاسی و طایفه‌ای به شدت از هم گسیخته و بی‌ثبات شود بنابراین بنیادی و اساسی‌ترین سطحی که باعث می‌شود میدانی برای سیطره و نفوذ این گروه‌ها ایجاد شود، نبود یک دولت ملی است که بتواند قدرتش را در محدوده مرزهای ملی اعمال کند (Azin & Saifzadeh, 1394:35-35).

بر اساس نظر کامپس، گاسبن و روتنبرگ، «بی‌ثباتی سیاسی» عامل اصلی تروریسم است. آنها معتقدند ضعف دولت‌ها زمینه‌توسل به تروریسم را فراهم می‌کند. برخی نیز معتقدند سیاست دولت‌های منطقه و برخی از عوامل ایدئولوژیک، عامل اصلی تروریسم است. آنها معتقدند ضعف دولت‌ها زمینه‌توسل به تروریسم را فراهم می‌کند. برخی نیز معتقدند سیاست دولت‌های منطقه و عوامل ایدئولوژیک عامل شکل‌گیری گروه‌های تروریستی هستند. بر این اساس گفته می‌شود تلاش دولت‌های خاورمیانه برای شکل دادن موازنه جدید در برابر ایران باعث شد داعش شکل بگیرد. در واقع چنین ادعا می‌شود که نیروهای اطلاعاتی آمریکا، انگلیس و پول کشورهای شورای همکاری خلیج فارس برای مقابله با قدرت شیعیان و افزایش نفوذ در برابر ایران باعث شکل‌گیری این گروه شده است. همچنین ترکیه به دلیل رقابت و مقابله با قدرت منطقه‌ای ایران و رژیم صهیونیستی با هدف کاهش نفوذ ایران و جلوگیری از حمله احتمالی ایران و متحدانش (حماس و حزب‌الله) و

سرگرم کردن افکار عمومی و انحراف توجهات از مسائل اعراب و رژیم صهیونیستی از داعش حمایت کرد (Basiri & Saldurgar, 1396:566-567).

در حال حاضر در تروریسم مدرن، تهدید حاکمان و رهبران سیاسی از راه فعالیت‌های جمعی و تهدید به کشتار مردم باعث گسترش خشونت‌های تروریستی می‌شود. در این زمینه پای سازمان‌های غیردولتی و استفاده از تکنولوژی‌های رسانه‌ای و رسانه‌های دیجیتال برای اعراب جمعی و تهدیدهای سیاسی نیز باز می‌شود، اما دامنه فعالیت تروریسم مدرن چندان گسترده نیست که گروه‌های تروریستی، به دنبال ایدئولوژی خاص مذهبی باشند (Zarei, Mousavi & Gholampour, 1397:183).

۲-۶. گونه‌شناسی نارکو تروریسم

اگرچه هیچ‌گونه تعریف واحدی از منظر دانشگاهیان، تحلیلگران و مقامات دولتی در زمینه نارکو تروریسم وجود ندارد؛ لیکن برخی از محققان مطالعات متعددی در مورد گونه‌شناسی انجام داده و نسبت به گونه‌های اصلی پدیده نارکو تروریسم اتفاق نظر داشته‌اند:

الف) نارکو تروریسم حقیقی: احاطه برخی از گروه‌های تروریستی در تحقق فرایند تولید، بازتولید، قاچاق، ترانزیت مواد مخدر توسط عوامل وابسته به خود با هدف تامین بنیان‌های مالی، پولشویی و تهیه سلاح به منظور انجام اقدامات تروریستی و عملیات‌های ایدئولوژیک مد نظر است.

ب) نارکو تروریسم جنایی: در گام اول سازمان مربوطه صرفاً به دنبال کسب مزایا و منافع مالی است. در این مرحله سندیکاها و مواد مخدر از روش‌های تروریستی برای ایجاد وحشت، تهدید دولت‌ها و سازمان‌هایی که مانع تجارت مواد مخدر آنان شده، استفاده می‌کنند. کارتل‌های کولائین آمریکای جنوبی مانند مدلین و کالی از خشن‌ترین نمونه‌های این نوع نارکو تروریسم هستند.

ج) نارکو تروریسم دولتی: این نوع نارکو تروریسم یا با دخالت دولت یا با حمایت آن تحقق می‌یابد. در این مرحله معمولاً دولت از سازمان‌ها و گروه‌های تروریستی فعال در امر قاچاق و ترانزیت مواد مخدر حمایت می‌کند. این رویکرد زمانی شکل می‌گیرد که برخی کشورها در پی تغییر نظام سیاسی، از طریق بی‌ثبات‌سازی حکومت در کشورهایی هستند که سازمان‌های تروریستی در آنجا فعال‌اند. در این شرایط، سازمان‌های تروریستی با بهره‌گیری از منافع حاصل از تجارت مواد مخدر به سلاح و مهمات مورد نظر دست می‌یابند و هم‌زمان، از منظر داخلی، پایه‌های فرهنگی و سیاسی

جامعه کشور هدف را متزلزل می‌کنند. اقدامات دولت انگلستان در قرن ۱۸ و ۱۹ برای ورود تریاک به کشور چین و تشویق به تولید آن نمونه‌ای از این نوع نارکو تروریسم است.

د) نارکو تروریسم غیر واقعی (ساختگی): این نوع نارکو تروریسم زمانی اتفاق می‌افتد که گروه یا سازمان غیر تروریستی با هدف تصویرسازی منفی به دخالت در تجارت مواد مخدر روی آورده تا ضمن حمایت داخلی و بین‌المللی برای اعمال سیاست خود در منطقه و بدنام کردن آن اقدام کند. برون داد این راهبرد از طریق اغناسازی افکار عمومی به اهداف خود دست می‌یابد. آمریکا در زمان ریاست جمهوری ریگان این سیاست را با هدف کسب حمایت‌های مردمی در کارزارهای انتخاباتی به‌عنوان یک ابزار در قبال کشورهای کمونیستی به‌ویژه نیکاراگوئه مورد استفاده قرار داد.

ه) نارکو تروریسم ابزاری: نارکو تروریسم به موضوع مواد مخدر به عنوان عامل مخل تضعیف نظم و قانون، امنیت اجتماعی، افزایش بی‌ثباتی در جامع، منشاء کاهش دموکراسی و سرکشی‌های مدنی در مقابل انتظارات حاکمیت مرتبط است. در این مرحله مواد مخدر یک هدف دوگانه برای تامین منابع مالی و عملیاتی، گسترش اعتیاد و تضعیف جامع کشور هدف تلقی می‌شود. برای نمونه طالبان در گذشته اگرچه تولید و مصرف مواد مخدر را در تقابل با ایدئولوژی خود تلقی می‌کرد؛ تجارت آن را با هدف ضربه زدن به کافران غربی مشروع قلمداد می‌کرد. از آنجاکه تاکید این مقاله بر موضوع تاثیرات نارکو تروریسم داعش خراسان در روند دولت‌سازی طالبان است، تلاش خواهد شد تا بعد سیاسی آن مورد توجه قرار گیرد تا به تحلیل این تاثیرات و معضلاتی که داعش خراسان برای جنبش طالبان ایجاد کرده و وضعیت فعلی افغانستان را رقم زده نیز اشاره گردد.

۳. نارکو تروریسم داعش خراسان و معضلات امنیتی دولت‌سازی طالبان

از سپتامبر سال ۲۰۲۱ میلادی، داعش خراسان در اقدامات خود برای به دست آوردن شهرت و ارتباط در سراسر منطقه آسیای جنوبی و مرکزی، مواضع جاه‌طلبانه تر و تهاجمی تری اتخاذ نمود. این گروه نوع و گستره جغرافیایی جنگ خود را گسترش داده و در عین حال در ترورهای هدفمند^۸ در افغانستان و کشورهای همسایه نیز دست داشته است. در عین حال، گسترش و انتشار تبلیغات این گروه از نظر شکل، حجم و تعدد زبان با توجه به درآمدی که از تجارت مواد مخدر و ترانزیت آن به دست آورده، جذب نیرو را از هر دو جبهه آسیای جنوبی و مرکزی در دستورکار خود قرار داده است (Jadon, et al, 2023: 3-12).

8. Targeted assassinations

وقتی داعش در افغانستان با نام داعش خراسان اعلام حضور کرد تا مدت‌ها درباره ارتباط این تروریست‌ها با محور اصلی داعش، که در واقع همان دولت عراق و شام است، با تردید مواجه بود. گروه تروریستی داعش پس از مدت‌های طولانی وجود داعش خراسان را به رسمیت شناخت. به باور برخی جریان‌های داعش خراسان تحت کنترل دستگاه اطلاعاتی برخی از کشورهای همسایه افغانستان است. برخی دیگر معتقدند، داعش خراسان پوششی برای فعالیت‌های شبکه حقانی است و به باور گروهی دیگر داعش خراسان تحت نفوذ دستگاه‌های اطلاعاتی غربی است، اما این گروه تروریستی و تکفیری چه معضلاتی را برای آسیای مرکزی و حتی غرب آسیا ایجاد کرده است؟ در ادامه پژوهش پیش‌رو به بررسی آن خواهیم پرداخت. مهم‌ترین معضلات امنیتی که گروه داعش خراسان در شمال کابل ایجاد کرده و امنیت منطقه را با مشکلات متعددی مواجه کرده است عبارت‌اند از:

۳-۱. تقویت کمی نیرو

بعد از خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان و توقیف منابع مالی این کشور توسط ایالات متحده، بحران اقتصادی در افغانستان ایجاد شد. شاخه داعش خراسان با گسترش ترانزیت مواد مخدر که در این منطقه انجام داده، هزینه‌های هنگفتی را به دست آورده است. با تشویق و تداوم این تجارت تلاش می‌کند از این وضعیت سوءاستفاده کرده و افراد بیکار را که با گرسنگی روبه‌رو بودند، استخدام کند (Sajid, 2023: 5-7).

عضوگیری شاخه داعش خراسان تمام منطقه آسیای مرکزی را شامل شده است. داعش خراسان از این طریق قدرت مانور و توسعه‌طلبی خود را افزایش داده و مسیرهای ترانزیت مواد مخدر را در این منطقه گسترش داده است. آنچه گروه در تبلیغات خود در عضوگیری افراد استفاده می‌کند، بیکاری، نارضایتی در افغانستان و آسیای مرکزی، سختگیری‌های طالبان در این کشور بوده است. برای مثال، مارات ایمانکولوف^۹، دبیر شورای امنیت قرقیزستان^{۱۰}، بر افزایش تعداد جنگجویان داعش خراسان، تقریباً ۷۰۰۰ جنگجو در مناطق هم‌مرز با شمال افغانستان اشاره کرده است. علاوه‌بر این، خبرگزاری آناتولی به نقل از سیدوروف^{۱۱}، رئیس ستاد مشترک سازمان

9. Marat Imankulov

10. Secretary of the Security Council of Kyrgyzstan

11. Anatoly Sidorov

پیمان امنیت جمعی^{۱۲}، در این مورد بیان کرده که ۴۰۰۰ داعشی در نزدیکی مرزهای تاجیکستان با افغانستان مشغول ترانزیت مواد مخدر و تبلیغات مذهبی با هدف ترغیب جوانان و گروه‌های تندرو اشاره و بیان نموده فعالیت این گروه پیامدهای امنیتی شدیدی برای افغانستان و کل منطقه دارد (Wahlang, 2023: 3-12).

داعش خراسان با وجود حذف رهبرانش تاکنون به فعالیت خود ادامه داده و طبق آمارهای ارائه شده از سوی سازمان ملل بین ۴۰۰۰ تا ۶۰۰۰ جنگجو دارد. داعش خراسان در مدت زمان حضور خود در شمال افغانستان بیش از ۳۰۰ مورد حمله را در ولایت‌های مختلف آن کشور انجام داده است. این حجم از حملات نشان از توسعه عمق استراتژیک این گروه در افغانستان و کشورهای همسایه کابل دارد. این مسئله به رهبری سعیدخان هدایت و بیشتر جوانان و تندروها، قاچاقچیان مواد مخدر در افغانستان و برخی از کشورهای همسایه را جذب کرده است. حملات داعش خراسان از نظر جغرافیایی نیز گسترش داشته، به طوری که از شش ولایت در سال ۲۰۲۱ به ۱۱ ولایت تا اواسط سال ۲۰۲۲ افزایش یافته است.

داعش خراسان فعالیت‌های قاچاقچیان مواد مخدر را با هدف تقویت بنیه مالی، ترورهای سازمان یافته و جذب مردم فقیر در این کشور، تحت چتر حمایتی خود قرار داده است. بنابراین نه تنها این امر باعث می‌شود مردم تمایل بیشتری برای پیوستن به یک سازمان تروریستی و ترانزیت مواد مخدر داشته باشند، بلکه ممکن است منجر به پیوستن نیروهای امنیتی سابق افغانستان به عنوان وسیله‌ای برای حمایت مالی از خانواده‌هایشان گردد. برای مثال، یک افسر اطلاعاتی افغانستان در این مورد بیان کرده است که داعش ۱۵ هزار افغانی (واحد پول افغانستان) به نیروهای تازه استخدام شده و بدون تجربه و ۲۵ هزار افغانی را به افراد دارای تجربه پرداخت خواهد کرد که این منابع از طریق ترانزیت مواد مخدر به دست آمده است (Mohibi, 2023: 3-10).

۳-۲. عملیات انتحاری و قتل عام^{۱۳}

در مراحل اولیه مبارزات چریکی^{۱۴}، دولت اسلامی خراسان، به عنوان بازیگر متعارف نمی‌تواند به دشمن قوی‌تر خود اجازه دهد تمرکز و منابع خود را تجمع کند، در غیر این صورت، خطر

12. Chairman of the Joint Staff of the Collective Security Treaty Organization

13. Terroristic operation

14. Guerrilla fighting

زیر پا گذاشتن سریع آن را تهدید می‌کند. از سوی دیگر، دولت اسلامی از نظر ایدئولوژیکی و راهبردی مجبور است در مراحل مبارزاتی خود پیشروی کرده تا این شکاف نبود تقارن را مسدود و دامنه سیستم رقابتی خود را گسترش دهد.

در این چهارچوب برای درک روش عملیات‌های تروریستی دولت اسلامی خراسان^{۱۵}، طیفی از عملیات خارجی در دستورکار گروه قرار دارد. این طیف وسیع از عملیات شامل اعزام محلی^{۱۶}، اعزامی فراملی و عملیات خارجی^{۱۷} را دربر می‌گیرد. عملیات‌های اعزامی محلی، عملیات‌های جنبشی^{۱۸} هستند که به دنبال گسترش نفوذ دولت اسلامی یا دسترسی به سیستم کنترل آن در مناطق، میان گروه، افراد و جذب اعضای جدید در سطح محلی‌اند. این فرایند بالقوه گستره‌ای از فعالیت‌های حملاتی را در داخل استان و استان‌های مجاور دربر گرفته که منجر به تبدیل آن مناطق به «سنگرهای» جدید می‌شود. عملیات اعزام فراملی به عملیات‌های دولت اسلامی اطلاق می‌شود که در آن، این گروه عواملی را برای شرکت در عملیات جنبشی در کشورهای همسایه مستقر کرده که به مراتب تهدیدهای امنیتی آن بیش از هر نوع عملیات و اقدام دیگر است. بنابراین می‌توان آنها را به عملیات هماهنگ و الهام‌گرفته تقسیم کرد. عملیات هماهنگ خارجی^{۱۹} شامل یک یا چند تیم تروریستی نفوذی^{۲۰} به کشورهای دیگر که عمدتاً از همسایگان بوده، است. این تیم‌ها از عوامل دولت اسلامی راهنمایی، دستورالعمل، بودجه یا سایر اشکال حمایت مادی را دریافت می‌کنند. از سوی دیگر، عملیات‌های خارجی الهام‌گرفته^{۲۱} شامل یک یا چند گروه تروریستی پیرو بوده که به نام دولت اسلامی خراسان یا داعش بدون ارتباط محسوس با اعضای رسمی جنبش مستقر در استان‌های افغانستان یا کشورهای دیگر به عضوگیری- ترور مشغول می‌شوند (Ingram, 2023: 1-11).

بنابراین داعش خراسان برای رسیدن به این راهبرد در مدت کوتاهی توانست کنترل ارضی را در چندین منطقه روستایی در شمال و شمال شرق افغانستان تثبیت و یک کمپین مرگبار را در سراسر این کشور و در پاکستان راه‌اندازی کند. این گروه تروریستی و تکفیری در طول سه سال

15. Islamic State of Khorasan
16. Local dispatch operation
17. Transnational mission operations and foreign operations
18. kinetic operations
19. External coordinated operations
20. Infiltrating terrorist team
21. Inspired foreign operations

اول حضور خود حملاتی را علیه گروه‌های اقلیت، مناطق عمومی، موسسات و اهداف دولتی در شهرهای بزرگ در سراسر افغانستان و پاکستان انجام داد. برای نمونه می‌توان به حمله این گروه به جمعیتی که در بیرون فرودگاه کابل حضور داشتند، اشاره کرد؛ حمله‌ای که تنها چند روز پس از هشدار رئیس‌جمهور آمریکا مبنی بر فعال بودن این مجموعه وابسته به گروه دولت اسلامی (داعش) در افغانستان رخ داد. این عملیات در ۲۶ اوت سال ۲۰۲۱، انجام و دست‌کم ۱۰۰ کشته برجای گذاشت. در این عملیات حداقل ۱۳ سرباز آمریکایی حضور داشتند. داعش خراسان مسئولیت بمب‌گذاری انتحاری^{۲۲} و حمله مسلحانه^{۲۳} هماهنگ‌شده را برعهده گرفت. (Jadon, 2023: 3-7)

گسترش نفوذ، تسریع این گروه به استان‌های همجوار و اجرای عملیات‌های تروریستی فراملی^{۲۴} در واقع ابزاری حیاتی است که دولت اسلامی با شاخه خراسان داعش از طریق آن به اهداف استراتژیک اقتصادی^{۲۵} (تسریع در قاچاق مواد مخدر)^{۲۶} و سیاسی (حذف مخالفان مذهبی و دولتی حتی محلی خود) اعم از صعودی یا نزولی، در مراحل کارزار عملیات‌های تروریستی خود دست می‌یابد (Ingram, 2023: 1-11).

رادیکال‌های آسیای مرکزی از جمله شاخه خراسان داعش با هدف تقویت بنیه مالی و اقتصادی خود و پرداخت حقوق مکفی به نیروهای عضو، سهم قابل‌توجهی از توطئه‌ها و حملات اخیر تحت هدایت دولت اسلامی در ایالات متحده، اروپا، ترکیه و ایران را به خود اختصاص داده‌اند. ترورهای هدفمند این گروه در رابطه با علمای مذهبی، شخصیت‌های سیاسی و فرهنگی برنامه‌ریزی شده و بسیار پیچیده است. این ترورها را معمولاً گروه‌های دهشت‌افکن مانند شاخه خراسان داعش انجام می‌دهند. دومین حمله ISK پس از حمله اوت ۲۰۲۱ به فرودگاه کابل، که در ابتدا با تمرکز بر استان ننگرهار متمرکز بود، تا سپتامبر ۲۰۲۲ به ۱۵ ولایت گسترش یافت. (۵۲ درصد) عملیات‌های گروه تنها در ولایت ننگرهار رخ داده است. از سپتامبر ۲۰۲۱ تا سپتامبر ۲۰۲۲، ISK ادعای ۲۷۴ حمله را داشت که به‌طور میانگین حدود ۲۳ حمله در ماه تخمین زده می‌شود (2: Gokmen, 2023).

-
22. Suicide bombing
 23. armed attack
 24. Transnational terrorist operations
 25. Strategic economic goals
 26. Accelerating the process of drug trafficking

یکی دیگر از اهداف اخیر در عملیات ISK، تغییر استراتژیک^{۲۷} برای هدف قرار دادن شهروندان و دیپلمات‌های کشورهای است که درصدد توانمند کردن حکومت طالبان در افغانستان هستند. نمونه‌های قابل توجه عبارت‌اند از: حمله به سفارت روسیه در کابل در ۳۰ سپتامبر ۲۰۲۲، حمله به سفارت پاکستان و حمله به یک هتل در شهر کابل در دسامبر ۲۰۲۲ که محل اسکان برخی از اتباع چینی بوده است. عملیات داعش در اکتبر سال ۲۰۲۲ در شیراز و ۳۷ حمله انتحاری در ماه مارس ۲۰۲۲ به مسجد شیعیان در پشاور پاکستان، در زمره خونین‌ترین حملات این گروه ارزیابی شده است (Jadon, 2023: 3-7).

از جمله این ترورها می‌توان به ترور وحید مژده، از کارشناسان سیاسی و فعالان سرشناس رسانه‌ای، اشاره کرد که توسط گروهی که مسئولیت ترانزیت مواد مخدر شاخه نظامی داعش خراسان را بر عهده داشت. تetsu ناکامورا^{۲۸}، پزشک ۷۳ ساله ژاپنی که بخش عمده زندگی و حرفه خود را وقف بهبود زندگی شهروندان افغانستان کرده بود، توسط یک عنصر داعش خراسان در یک عملیات تروریستی کشته شد، همچنین ترور مولوی عزیزالله مفلح^{۲۹}، امام و خطیب مسجد و عضو شورای علمای سراسری افغانستان که فعالیت داعش خراسان را مخالف اسلام و به نوعی تجاوزگری به مرزهای سیاسی و جغرافیایی کابل می‌دانست و مهم‌ترین عوامل توسعه قاچاق مواد مخدر و به فساد کشیدن مردم و جوانان این کشور در دام مواد افیونی را نتیجه فعالیت داعش بیان می‌کرد، یکی دیگر از ترورهای این گروه در آن بازه زمانی بود. داعش خراسان در تاریخ ۱۲ ژوئن ۲۰۲۰ سه نمازگزار دیگر را در مسجد جامع شیرشاه سوری واقع در منطقه سوم امنیتی در غرب کابل با استفاده از انفجار بمب به قتل رساند (Kawa, 2023: 8).

۳-۳. آدم‌ربایی^{۳۰}

شاخه خراسان داعش در افغانستان هنوز توانایی تغییر استراتژی و تاکتیک‌های عملیاتی خود را برای مقاومت در برابر فشار فزاینده ضدتروریسم، که طالبان آن را به‌عنوان یکی از مأموریت‌های خود در بدو تاسیس دولت اسلامی در کابل بیان کرده، به دست نیاورده است. داعش خراسان سازمان‌دهی حملات و آدم‌ربایی افرادی را که درصدد تضعیف مشروعیت سیاسی و مذهبی این گروه در افغانستان

27. Strategic change

28. Tetsu Nakamura

29. Mawlavi Azizullah Mufleh

30. kidnap

یا در کشورهای همسایه هستند، در تعقیب جاه طلبی های منطقه ای خود قرار داده است. سال ۲۰۲۳ مصادف بود با نهمین سال فعالیت ISK؛ این سازمان به رقابت با بازیگرانی مانند طالبان، القاعده و گروه تحریک طالبان پاکستان ادامه می دهد و همزمان درصدد تشکیل ائتلاف های عمیق با فرقه های مختلف است. اعضای تروریستی شاخه داعش خراسان، با روی کار آمدن طالبان خود را در یک بن بست سیاسی و مشروعیتی می دیدند که برای تقویت جایگاه و مشروعیت خود در این کشور می بایست نفوذ همه جانبه خود را افزایش داده تا بتوانند مخالفان خود را با فعالیت های سازمان یافته از مسیر خارج کنند. یکی از این حربه های اعضای داعش خراسان، استفاده از ابزار و اهرم اقتصادی قاچاق و ترانزیت مواد مخدر در این منطقه است. از این طریق داعش خراسان به نوعی توانسته افراد تحصیل کرده را با عملیات های آدم ربایی مجبور به فعالیت کند و با درآمدهای هنگفتی که از طریق تجارت و ترانزیت مواد مخدر به دست می آورد، تبلیغات گسترده ای را در منطقه برای تقویت نیروهای خودی و جذب افراد جدید ایجاد کند. داعش خراسان برای توسعه فعالیت های رسانه ای خود، مهندسان مخابرات و رسانه را در اولویت شناسایی قرار داده و با عملیات های ربایش، آنان را ناچار به همکاری با این گروه می کند. بر اساس آماري که سازمان های امنیتی در کابل ارائه داده اند، از سال ۲۰۱۶ تا سال ۲۰۲۳، بیش از ۲۳۰ نفر غیر نظامی در این کشور هدف عملیات های آدم ربایی شاخه خراسانی داعش قرار گرفته اند. بیشتر این افراد در کمپ های این گروه یا به مواد افیونی معتادند یا با استفاده از راهبرد خشونت آمیز مجبور به فعالیت در ابعاد گوناگون برای این گروه هستند. عملیات های آدم ربایی می تواند به افزایش خشونت و بی ثباتی اجتماعی - اقتصادی و سیاسی در افغانستان منجر شده و مشروعیت جنبش طالبان را تضعیف و جرقه فروپاشی حاکمیت را به دنبال داشته باشد (Verma & Ali, 2023: 45-50).

۴. تکنولوژی های رسانه ای و معضلات دولت سازی طالبان

«داعش خراسان» برای کاهش اثرات منفی اقدامات خود، فعالیت های تبلیغاتی و استخدام آنلایین را گسترش داده است. اگرچه در اوج بحران مالی خود در نیمه اول سال ۲۰۲۳، فعالیت های تبلیغاتی این گروه کاهش یافت؛ به طور کلی «داعش خراسان» توانست تصویر یک سازمان فعال و انعطاف پذیر را ایجاد کند و اهمیت حملات اندک و متناوب خود را بزرگ جلوه دهد. آدم ربایی گروه داعش خراسان می تواند به افزایش خشونت و بی ثباتی سیاسی در افغانستان منجر گردد، مشروعیت طالبان را تضعیف و جرقه فروپاشی جنبش را به دنبال داشته باشد (Verma & Ali, 2023: 45-50).

۵. داعش خراسان و معضلات اقتصادی دولت‌سازی طالبان

نفوذ داعش در افغانستان از سال ۲۰۱۵ به بعد و ایجاد مشکلات امنیتی در آنجا از یک سو و اوضاع نامساعد اقتصادی افغانستان و برخی از کشورهای این منطقه موجب شده تا افراد زیادی برای پیوستن به این گروه اعلام آمادگی کنند (Kukeveva, et al., 2016).

وجود منابع غنی انرژی در آسیای مرکزی، تولید و ترانزیت مواد مخدر از افغانستان به کشورهای منطقه و بازارهای هدف در اروپا موجب شده گروه‌هایی همچون داعش با عضوگیری و توسعه نفوذ خود در این منطقه، درصدد عملیاتی کردن الگوی رفتاری^{۳۱} خود در تصرف منابع انرژی سوریه، عراق و پیاده‌سازی آن در افغانستان و آسیای مرکزی از طریق نیروهای بومی برآیند (Mirovalev, 2018: 2-6).

داعش خراسان همانند دولت اسلامی عراق و شام که در سوریه و عراق در پی ساقط کردن دولت‌های مرکزی و تشکیل دولت خودخوانده بود، درصدد ایجاد دولتی خودخوانده در افغانستان و تضعیف روند دولت‌سازی طالبان است. این مهم به منابع مالی و اقتصادی قدرتمندی نیاز دارد که بایستی تامین گردد. منابع مالی داعش خراسان از سال ۲۰۱۸ به دلیل سیر نزولی منابع اختصاص یافته از سوی سازمان مادر (داعش) در سوریه و عراق، شکست‌های میدانی و ایدئولوژیک و همچنین از دست دادن مناطق نفت خیز، که مهم‌ترین منبع مالی آن‌ها محسوب می‌شد، به‌طور قابل توجهی کاهش یافت. در اوایل سال ۲۰۲۳، منابع مالی تقریباً کامل در خزانه داعش در خاورمیانه به دلایل مذکور متوقف و منابعی که داعش می‌توانست به شاخه خراسان خود تخصیص دهد، دائماً روند کاهشی را تجربه می‌کرد. این بحران با سرکوب مداوم تمام شاخه‌های داعش در قلمرو آن‌ها، از جمله داعش در کشورهای سوریه و عراق تشدید شد (Strachota, 2024: 11).

برای سال‌ها، مرکز مالی اصلی دولت اسلامی عراق و شام در ترکیه بود، جایی که به لطف جامعه روبه‌رشد افغان، ارتباطات بانکی غیررسمی رایج شده بود. ترکیه همچنین یک مرکز مالی مهم برای داعش مرکزی بود بنابراین انتقال وجوه مالی بین این دو به سهولت انجام می‌شد. سرکوب ترکیه منجر به بازداشت ده‌ها تن از اعضای داعش شد و به‌طور جدی عملیات آن‌ها را مختل کرد. طالبان با افزایش نظارت بر جریان‌های مالی با هشدار به تاجران حواله

31. operationalizing the behavioral model

در افغانستان در مورد عواقب گرفتاری آنان برای انتقال پول نقد داعش به تشدید بحران مالی داعش کمک کرده تا از رسیدن داعش به هدف خود یعنی ایجاد دولت مرکزی در افغانستان جلوگیری کند. به همین منظور داعش خراسان به وسیله ترانزیت و تجارت مواد مخدر تلاش دارد منابع مالی مورد نیاز خود را تأمین و از این طریق خود را به عنوان یک کنشگر مهم در آینده افغانستان و رقابت سیاسی و حاکمیتی با طالبان معرفی کند (Giustozzi, 2024: 9).

این اقدام داعش خراسان، گروه را از درآمد حاصل از استخراج منابع طبیعی، از جمله طلا و معادن در استان ننگرهار که سود قابل توجهی برای این گروه تروریستی در کابل داشت، محروم کرد. طبق گزارش وزارت خزانه داری آمریکا در سال ۲۰۲۱، از اوایل سال ۲۰۲۰، درآمدهای معدنی و حاصل از قاچاق مواد مخدر (تریاک، هروئین و شیشه) داعش خراسان، عمدتاً از طریق کمک‌های محلی، اخذ مالیات، اخاذی و برخی حمایت‌های مالی هسته مرکزی داعش، بخشی از بودجه مورد نیاز این گروه را تأمین کرده است (Zerden, 2021: 2-7).

بنابراین با استفاده از ترانزیت و تجارت مواد مخدر که باعث موفقیت مالی این گروه در شمال افغانستان شده، می‌تواند به طور منطقی مطمئن باشد که تلاش‌های ضد تروریسم طالبان را سرکوب خواهد کرد. زیرا فعالیت‌های اقتصادی و تجاری داعش خراسان حتی میزان منابع مالی و پولی طالبان را نیز با چالش‌های قابل توجهی مواجه کرده است. بررسی‌های طالبان در بخش بانکداری غیررسمی همچنان سطحی است، زیرا طالبان ظاهراً نمی‌خواهد این بخش را، که برای اقتصاد افغانستان و احتمالاً برای خود طالبان حیاتی است، مختل کند. مهم‌تر اینکه به‌رغم آزمایش‌های موفقیت‌آمیز در ولایت ننگرهار به نظر می‌رسد که طالبان هیچ قصدی برای پیگیری معاملات آشتی محلی با جوامع مرتبط با داعش خراسان را، که منبع اصلی حمایت‌های مالی از این گروه تروریستی هستند، ندارد. این اقدامات طالبان ناشی از فشارهای اقتصادی و مالی داعش خراسان در کابل باعث نوعی ادغام در ساختار امارات، حتی در سطح محلی و در بعد اقتصادی شده و این مسئله، نظام بانکداری و اقتصادی حاکمیت فعلی طالبان را با تهدیدهای ساختاری و براندازی مواجه کرده است (Yawar, et al., 2024: 3-12 Yunus).

۶. داعش خراسان و معضلات فرهنگی دولت‌سازی طالبان

درواقع عوامل ایدئولوژیک، قومی، زبانی و سیاسی افغانستان امروز در خدمت توسعه و رشد داعش خراسان درآمده و افزایش نارضایتی‌ها و مخالفت‌ها با طالبان زمینه را برای جذب افراد

ناراضی در داعش خراسان فراهم کرده است. همچنین در ارزیابی ظرفیت داعش خراسان باید اذعان کرد که برای این سازمان تروریستی دیگر دستاوردهای سرزمینی اولویت نخست نیست، بلکه در شرایط فعلی گسترش دامنه ایدئولوژیک، استراتژیک و تاکتیکی به مناطق اطراف از مهم‌ترین اهداف داعش خراسان است. تهدید داعش خراسان امروزه حتی به واسطه فروپاشی ارتش و نیروهای نظامی دولت پیشین افغانستان بیشتر شده و بسیاری از نظامیانی که در دوره طالبان با فروپاشی ارتش از بدنه دولت کابل جدا شدند، اکنون اهداف مهم برای جذب در داعش خراسان تلقی می‌گردند بنابراین مهم‌ترین اهداف داعش خراسان در بعد فرهنگی برای تضعیف حاکمیت کنونی طالبان عبارت‌اند از:

۱-۶. عدم همگرایی بر محور هویت یکپارچه زبانی میان فارس‌زبانان

ضربه مهلک جبران‌ناپذیر دیگری که حملات داعش با استفاده از زبان دری (تاجیکان) وارد می‌کند، زدودن زمینه‌های همگرایی میان پارسی‌زبانان در قلمرو سه‌گانه سیاسی ایران، افغانستان و تاجیکستان است. در این زمینه، در سال‌های اخیر اقدامات فرهنگی از جمله برگزاری مشترک جشن نوروز در سطوح رسمی و غیررسمی و امور مشترک فرهنگی در فضاهای مجازی برای ایجاد همگرایی بیشتر میان فارسی‌زبانان انجام شده است. این تلاش‌ها در سایه حملات داعش، ممکن است بی‌اثر یا کم‌اثر شود، زیرا حملات داعش ترس را جانشین رغبت کرده و زمینه‌های همگرایی میان فارس‌زبانان را شاید برای همیشه از میان بردارد. جنبش طالبان برای حفظ روند دولت‌سازی خود در افغانستان و حفظ روابط خود با کشورهای همسایه باید فعالیت این گروه‌ها را مهار کنند، داعش خراسان امروزی، اقتصادی قدرتمند ناشی از تجارت و ترانزیت مواد مخدر دارد و این مسئله در روند رسیدن به اهداف تفرقه‌انگیز آن موثر بوده است (Valle, 2023: 5-12).

۲-۶. اشاعه تفکر تکفیری - سلفی در افغانستان

نخستین پیامد مخربی که احتمالاً حملات داعش به دنبال خواهد داشت، شایع شدن تفکرات سلفی‌گری و تکفیری در سرزمین‌های تاریخی افغانستان و خراسان است؛ مناطقی که هویت مشترکی با ایران باستان داشته و در گذشته مهد تساهل و مدارای دینی بر اساس اصول مذهب میان‌روحنفی و تشیع بوده‌اند. حوزه فارسی‌تاجیکی که در تجربه تاریخی - مذهبی خود همواره هم‌نشینی مسالمت‌آمیز دینی و مذهبی را داشته و از این رهگذر دوران آرامی را پشت سر گذاشته،

باید با تفکرات ضداسلامی تکفیری آلوده شود، زیرا اربابان تروریسم تکفیری داعش در صورتی می‌توانند به مقاصد شوم خود دست یابند که نفاق و دشمنی از طریق شیوع تفکرات تکفیری در میان حنفی‌مذهبان صلح‌دوست، ترویج گردد. به نظر می‌رسد این موضوع با یکپارچگی مورد نیاز یک دولت قدرتمند و مشروعیت سیاسی یک دولت، که جنبش طالبان باید آن را داشته باشد، در تضاد و تعارض کامل است.

۳-۶. اشاعه تنش فرقه‌ای بین سنی و شیعه در افغانستان

تنش تاریخی بین پشتون‌ها و هزاره‌ها یکی از مهم‌ترین زمینه‌هایی است که داعش خراسان از آن برای ایجاد تنش عقیدتی میان شیعه و سنی در افغانستان و منطقه بهره برده است. دلیل استفاده تخصصی داعش از این تنش تاریخی این است که افغانستان، به‌ویژه مناطق پشتون‌نشین، تحت نفوذ صدها رهبر محلی و جنگ‌سالار است که بر قلمرو، تولید مواد مخدر، مسیرهای قاچاق و جمع‌آوری مالیات نفوس رقابت داشته و در ادوار گذشته تجزیه شده‌اند. در این شرایط، رهبران پشتون در افغانستان، قتل عام شیعیان را یکی از اهداف مهم خود می‌دانستند. این موقعیت به داعش خراسان قدرت مانور قابل توجهی داده تا با عضوگیری از میان این مردم و استفاده از منابع مالی قدرتمندی که از طریق ترانزیت و تجارت مواد مخدر به دست آورده، تفرقه سنی و شیعه را تشدید کرده و روند دولت‌سازی طالبان را با مشکل مواجه کند. (Sinno, 2021: 2-5).

۴-۶. تنش بین مردم بلوچ و ضدیت با ایران

منطقه مرزی بین ایران و افغانستان با جمعیت قابل توجهی از بلوچ‌ها تشکیل شده است. عمدتاً مردم بلوچ خود را در حوزه تمدنی ایران باستان معرفی کرده و به نوعی عرق ملی نسبت به ایران دارند، اما از آنجاکه عمده جمعیت آنها از اهل تسنن تشکیل شده است، داعش خراسان با استفاده از شبکه‌های رسانه‌ای دیجیتال و مطبوعاتی خود تلاش دارد یک منطقه حائل بین مرز ایران و افغانستان ایجاد کند تا از این طریق بتواند روند دولت‌سازی طالبان را با مشکل مواجه کند. همچنین داعش خراسان در تلاش است تا مسیر تجارت مواد مخدر خود را با هم‌پیمانی با آنها تسریع کند. بنابراین این تاکتیک داعش خراسان هم برای کابل و هم برای ایران تهدیدهای قابل توجهی در ادوار گذشته و نه‌چندان دور داشته که باید مدیریت شود.

۷. نتیجه گیری

تنش اخیر در افغانستان اگرچه ریشه بلندمدتی دارد؛ تشدید آن در برهه کنونی ناشی از نوع عملکرد آمریکا در خروج نظامی مصنوعی از افغانستان و طرح سیاسی آن برای آینده این کشور است. آمریکا بدون نگاه به حقوق مردم افغانستان و ملاحظات بازیگران منطقه‌ای به دنبال خروج امن و کم‌هزینه و همچنین استمرار نفوذ سیاسی و نظامی در افغانستان بود. باتوجه‌به ناکامی‌های متعدد این کشور در افغانستان و تعارضات طرح آن برای حل و فصل نزاع سیاسی و نظامی میان گروه‌های افغانستانی، استمرار وضعیت کنونی تحت مدیریت واشنگتن به تشدید بحران منجر خواهد شد. از این رو، جوامع و سازمان‌های بین‌المللی برای جلوگیری از پیامدهای ناگوار این بحران باید نقش فعال‌تری ایفا کنند. باتوجه‌به نبود قطعیت درباره آینده تنش‌ها در افغانستان و ابهام در خصوص ماهیت طالبان مهم‌ترین اولویت جامع جهانی باید تلاش برای آغاز روند گفت‌وگوهای بین‌افغانی، مدیریت و در نهایت خاتمه تنش‌ها باشد. در کنار تلاش‌های سیاسی برای ایجاد هماهنگی داخلی و تلاش برای حل سیاسی این بحران باید از فرصت‌های اندک و باقی‌مانده برای آمادگی کامل در برابر سناریوهای بدبینانه‌ای که امکان تحقق آن در آینده نزدیک وجود خواهد داشت، استفاده کرد تا از بروز و ظهور گروه‌های تروریستی نظیر شاخه داعش خراسان در گستره جغرافیای این کشور جلوگیری گردد.

رقابت میان داعش خراسان و طالبان به‌عنوان یکی از چالش‌های اصلی، که دامنه امنیتی آن به ایران، روسیه، تاجیکستان و ازبکستان کشیده شده، حائز اهمیت است، زیرا نقش جنبش طالبان در مهار فعالیت‌های داعش خراسان و تأثیرگذاری بر جریان‌ات تروریستی در افغانستان بسیار مهم بوده و این رقابت‌ها و تعاملات میان داعش خراسان و طالبان نشان‌دهنده پیچیدگی و نوساناتی است که در فضای امنیتی منطقه ایجاد شده است. این مسئله تأثیرات عمیقی در امنیت و پایداری منطقه، از جمله روند دولت‌سازی طالبان در افغانستان، در زمان حال و آینده دارد که بیش از پیش باید مورد توجه قرار گیرد.

طالبان ادعای مبارزه با داعش خراسان را دارد و از لحاظ ایدئولوژی این دو گروه خود را متفاوت تعریف می‌کنند، اما امید بستن صرف به مبارزه طالبان با این گروه سبب می‌شود که از منظر امنیتی داعش خراسان نادیده انگاشته شود. به نظر می‌رسد دو نکته اساسی که باعث تایید این فرضیه می‌گردد، باید در نظر گرفت: نخست طالبان همچنان در اعمال حاکمیت در

کل کشور افغانستان با مشکل مواجه است؛ دوم اینکه برخی از اعضای طالبان چنانچه داعش خراسان منابع مالی بیشتری در اختیار آنان قرار دهد، جذب آن گروه خواهند شد. بهرغم اینکه طالبان تاکنون موفق شده برخی از منابع مالی داعش خراسان را از میان ببرد، لیکن همچنان شاخه‌های این گروه در اغلب مناطق یعنی حدود ۱۱ ولایت افغانستان (ننگرهار، کنر و خوست) حضور داشته و مشغول عضوگیری و تامین منابع مالی هستند. به همین منظور روند دولت‌سازی طالبان در افغانستان را بعد از گذشت چند سال تهدید و مشکلات زیادی مواجه و این روند به گونه‌ای جغرافیای آسیای مرکزی، منطقه قفقاز و کشورهای همسایه افغانستان را تحت تاثیرات خود قرار داده است. به این معنا که هر چند روند دولت‌سازی طالبان در افغانستان به طول بینجامد تهدیدهای امنیتی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و زیست‌محیطی داعش خراسان منطقه را به آشوب قومی و ملی نزدیک‌تر خواهد کرد.

تعارض منافع

هیچ‌گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

References

- Eshaghi, Majid; Rashmeh, Amirhossein (2017). *Modeling Terrorist Behavior and Analyzing Terrorism Behavior*. Journal of Complex and Nonlinear Systems, Vol. 1, No. 1, pp. 47-54.
- Agha Mohammadi, Zahra; Omid, Zahra (2018). *Analysis of ISIS Extreme Violence Based on the Political Psychology of Groups Theory*. Quarterly Journal of Political Studies of the Islamic World, Vol. 7, No. 3 (Serial No. 27), pp. 121-141.
- Esmaili, Mehdi (2012). *Terrorism from the Perspective of Psychological Disorders*. Medical Law Quarterly, Vol. 6, No. 20, pp. 167-190.
- Eghbal, Hadis (2017). *A Framework for Studying the Causes of the Emergence and Spread of Terrorist Thought and Behavior (With Emphasis on ISIS)*. Political Science Research Journal, Vol. 12, No. 3, pp. 33-59.
- Azin, Ahmad; Seifzadeh, Ali (2015). *Examining the Social and Political Contexts of the Emergence of ISIS in the Middle East*. Foreign Policy Quarterly, Vol. 29, No. 4, pp. 27-50.
- Basiri, Mohammad Ali; Saldurger, Elaheh (2017). *Investigating the Causes and Factors of ISIS Formation*. Politics Quarterly (Faculty of Law and Political Science Journal), Vol. 47, No. 3, pp. 553-570.
- Bahari, Behnam; Bakhshi Sheikh Ahmad, Mehdi (2009). *The Nature of New Terrorism and Its Characteristics*. Political Research Quarterly, Vol. 11, No. 27, pp. 2-20.
- Pourahmadi, Hossein; Abbasi, Bahram (2015). *International Political Economy and the Emergence and Function of ISIS in the Middle East*. Quarterly Journal of Political and International Approaches, No. 1 (Serial No. 43), pp. 91-116.
- Heydari, Ayoob (2014). *Culture and the Expansion of Terrorism and Extremism in the Middle East and North Africa (With Emphasis on ISIS Activities)*. Politics Quarterly, Vol. 1, No. 4, pp. 49-60.

- Rokabian, Rashid; Babaeian, Morteza (2024). *Explaining the Contexts of the Formation of Salafi-Takfiri Movements in the Islamic World*. Quarterly Journal of Fundamental and Applied Studies of the Islamic World, Vol. 6, No. 20, pp. 98-110.
- Zarei, Ghaffar; Mousavi, Mohammad; Gholampour, Majid (2018). *Analyzing the Formation of ISIS from the Perspective of Postmodern Terrorism*. Quarterly Journal of Political Research of the Islamic World, Vol. 8, No. 4, pp. 175-195.
- Sajedi, Amir (2016). *Identifying the Influential Components in the Expansion of Terrorism in the Middle East*. Quarterly Journal of Political Studies, Vol. 9, No. 33, pp. 139-160.
- Simbar, Reza; Rahmdel, Reza; Fallah, Mahsa (2014). *A Constructivist Understanding of International Terrorism*. International Relations Research Journal, Vol. 8, No. 29, pp. 179-203.
- Alipour, Abbas; Heydari, Jahangir; Faeli, Amin (2014). *Internal and External Factors Affecting the Expansion of Takfiri Movements in Southwest Asia*. Afaq-e Amniyat Quarterly, Vol. 7, No. 27, pp. 197-227.
- Ghaderi Hajat, Mostafa; Karimi, Mehdi; Salehabadi, Reyhaneh (2025). *Foundations of the Taliban's Return to Power in Afghanistan*. Quarterly Journal of Fundamental and Applied Studies of the Islamic World, Vol. 7, No. 23, pp. 188-200.
- Golijani Moghadam, Hamed; Sharifi Tarazkouhi, Hossein; Taghizadeh Ansari, Mostafa (2021). *Combating Narco-Terrorism in International Law*. NAJA Strategic Studies Quarterly, Vol. 6, No. 21, pp. 7-9.
- Moradi, Mostafa; Shayegan, Fariba; Navidnia, Monizeh (2018). *A Sociological Explanation and Prioritization of the Contexts and Motivational Factors for Joining ISIS from the Perspective of Iranian Experts*. Quarterly Journal of Political Research of the Islamic World, Vol. 8, No. 2, pp. 1-21.
- Motallebi, Masoud; Arayesh, Hassan; Rahimi Emad, Reza (2016). *Terrorism from*

the Perspective of Radical Islamic Fundamentalists and Shiite Political Jurisprudence: A Study of Martyrdom Operations. Quarterly Journal of Political Research of the Islamic World, Vol. 6, No. 4, pp. 119-146.

Brahma Chellaney. (2021, November 12). *Narco-terrorism: Taliban trafficking opioids and meth.* Project Syndicate. Retrieved from <https://www.project-syndicate.org/commentary/narco-terrorism-taliban-trafficking-opioids-and-meth-by-brahma-chellaney-2021-11>

Farooq, S. A., et al. (2017, July 21). *Opium trade and the spread of HIV in the Golden Crescent.* Retrieved from <https://www.ncbi.nlm.nih.gov/pmc/articles/PMC5521118>

Giustozzi, A. (2024, January 30). *The Islamic State in Khorasan between Taliban counter-terrorism and resurgence prospects.* International Centre for Counter-Terrorism. Retrieved from <https://www.icct.nl/publication/islamic-state-khorasan-between-taliban-counter-terrorism-and-resurgence-prospects>

Gokmen, E. (2023, June 22). *Turkish police arrest 'high-ranking' Dish/ISIS terrorist in Istanbul.* Anadolu Agency. Retrieved from <https://www.aa.com.tr/en/politics/turkish-police-arrest-high-ranking-daesh-isis-terrorist-in-istanbul/2928673>

Ingram, H. J. (2023, November 23). *From expeditionary to inspired: Situating external operations within the Islamic State's insurgency method.* International Centre for Counter-Terrorism. Retrieved from <https://www.icct.nl/publication/expeditionary-inspired-situating-external-operations-within-islamic-states-insurgency>

Jadon, A. (2023, August 26). *What is ISIS-K? Two terrorism experts on the group behind the deadly Kabul airport attack and its rivalry with the Taliban.* The Conversation. Retrieved from <https://theconversation.com/what-is-isis-k-two-terrorism-experts-on-the-group-behind-the-deadly-kabul-airport-attack-and-its-rivalry-with-the-taliban-166873>

- Kawa, A. (2023, August 28). *UN Security Council's concern: ISIS threatens international targets from Afghanistan*. 8AM News. Retrieved from <https://8am.media/eng/un-security-councils-concern-isis-threatens-international-targets-from-afghanistan>
- Koiremba Singh Ningthoujam, & Nunes, W. (2013). Drug trafficking and narco-terrorism as security threats: A study of India's North-east. *Asian Journal of Criminology*, 69(1), 65–82. Retrieved from <https://www.jstor.org/stable/45072708>
- Kukeyeva, F., et al. (2016). Security threats and challenges in the post-Soviet Central Asia: Religion-based extremism on case study of ISIS. Retrieved from https://www.researchgate.net/publication/299998284_Security_threats_and_challenges_in_the_post-soviet_Central_Asia_religion-based_extremism_on_case_study_of_ISIS
- Mirovalev, M. (2018, August 20). *Do Central Asian leaders use ISIL threats for political gain?* Al Jazeera. Retrieved from <https://www.aljazeera.com/indepth/features/central-asian-leaders-isilthreatspolitical-gain-180820221522285.html>
- Mohammadov, A. H., & Ashrafi, M. (2017). Investigating the challenges of religious extremism in Central Asia and its impact on the national security of the surrounding nations. *QUID 2017*, Special Issue No. 1, 2789–2796.
- Mohibi, A. (2023, June 20). *ISIS-K grows as the Taliban struggles to maintain power*. Rise to Peace. Retrieved from <https://www.risetopeace.org/2021/11/20/isis-k-grows-as-the-taliban-struggles-to-maintain-power/shah1505>
- Sajid, I. U. (2023, December 20). *Poverty pushing Afghans to join terror group Daesh/ISIS-K*. Anadolu Agency. Retrieved from <https://www.aa.com.tr/en/asia-pacific/poverty-pushing-afghans-to-join-terror-group-daesh-isis-k/2449002>
- Sinno, A. (2021, October 25). *How ethnic and religious divides in Afghanistan are contributing to violence against minorities*. The Conversation. Retrieved from

<https://theconversation.com/how-ethnic-and-religious-divides-in-afghanistan-are-contributing-to-violence-against-minorities-168059>

Strachota, K. (2024, March 29). *Islamic State-Khorasan: Global jihad's new front*. OSW Commentary. Retrieved from <https://www.osw.waw.pl/en/publikacje/osw-commentary/2024-03-29/islamic-state-khorasan-global-jihads-new-front>

Valle, R. (2023, October 16). *The Islamic State's Central Asian contingents and their international threat*. Hudson Institute. Retrieved from <https://www.hudson.org/foreign-policy/islamic-states-central-asian-contingents-their-international-threat>

Verma, R., & Ali, S. (2023). How the Islamic State rivalry pushes the Taliban to extremes. *Middle East Policy*, 30(4), 42-55. <https://doi.org/10.1111/mepo.12714>

Yunus, Y. M., et al. (2024, March 26). *How ISIS-K leader forged one of Islamic State's most fearsome groups*. Reuters. Retrieved from <https://www.reuters.com/world/leader-isis-group-linked-moscow-attack-has-global-ambitions-2024-03-25>

Zerden, A. (2021, August 30). *What is known about ISIS-K funding in Afghanistan?* Law fare Media. Retrieved from <https://www.lawfaremedia.org/article/what-known-about-isis-k-funding-afghanistan>

رتال جامع علوم انسانی